



نویسنده: **حسن سالارمنش** (نویسنده ۳۲ متن کمدی دیگر برای دانلود دیگر آثار نویسنده به وب سایت کتاب سبز و کتابراه مراجعه کنید)

(تقدیم به استاد عزیزم **سیدایرج کاظمی جو** مدیر توانا اداره فرهنگ ارشاد شهرستان کهگلویه)

اشخاص نمایش :

۱. گالیلهوگالیلهی معروف به گالیله (مخترع تلسکوپ و معتقد به نظریه خورشید مرکزی تقریباً ۷۰ ساله)
 ۲. گوزیمو (فروشنده دوره گرد اهالی دانمارک)
 ۳. کشیش (اسمش وینچنزو از دشمنان سرسخت گالیله)
 ۴. چوپان کلیسا (اسمش گرین برگر)
 ۵. کاردینال (حکمران شهر پیزا تقریباً ۶۵ ساله)
- (دو یا سه نفر هنرور در نقش ماموران دادگاه پیزا)

خلاصه نمایشنامه :

پیزا دهکده ای بزرگ در کشور ایتالیا که در سال (۱۶۰۹-۱۶۴۲) میلادی گالیله مخترع تلسکوپ در آن زندگی میکرد او نظریه انقلابی کوپرنیک که یکی از کشفیات عصر نسانس است تایید میکند و همانند او معتقد است که خورشید مرکز زمین است و بقیه سیارات از جمله زمین و ماه به دور آن می چرخند از این رو با مخالفت شدید کلیسا روبه رومی شود و او به دادگاه تفتیش عقاید متهم می شود در این میان سروکله شخصی به نام گوزیمو که یک فروشنده دوره گرد دانمارکیست پیدا میشه گالیله از او وسیله ای به نام دوربین می خرد که باعث اختراع تلسکوپ می شود کی یکی از مهم ترین اختراعات جهان به شمار می رود...

توضیحات – این نمایش نامه اثری دیگر از آثار کمدی نویسنده جوان طنزپرداز حسن سالارمنش است که پس از مطالعه کتاب زندگی گالیله اثر برتولت برشت نویسنده مشهور آلمانی به نگارش درآمده است هیچ کدوم از شخصیت های به جز گالیله وجود نداشتن و این نمایش نامه بیشتر بر اساس خلاقیت ذهنی نویسنده نوشته شده است کارگردانان محترم می توانند با نشان دادن فضای ساده مورد نظر متن را ایجاد کنید شما این اختیار را دارید بدون این که متن به سمت لودگی برود این صحنه ها را در اجرا گسترش دهید پیشنهاد میکنم به کارگردانان عزیز قبل از اجرای این نمایش نامه در مورد شخصیت گالیله تحقیق کنید در مورد لباس های بازیگران در قرون وسطی یا حتی شکنجه ها کلیسا ها در این قرون ما تا جایی که تونستیم سعی کردم حقیقت زندگی گالیله را بیان کنیم. وجود لکه ها خورشیدی دور زدن ماه به دوره سیاره مشتری همه و همه بر اساس اثبات های گالیله بوده تنها هدف من از نوشتن این همه متن کمدی خدمت به جامعه هنری خصوصا در سبک کمدی و طنز است.

(صدای خروس، سگ، الاغ و در ادامه صدای گوسفند پخش می شود در همین لحظه مردی تقریباً سی ساله با چمدانی پر از وسایل فروش نفس زنان خسته و کوفته وارد صحنه میشود نگاهی به اطراف میندازه سپس روبه تماشاگران ...)

گوزیمو - مثل اینکه رسیدم (نگاهی به اطراف میندازه)، اینجا چقد خلوته سلام اسم من گوزیمو البته بعضی بهم میگن گوزی من خوشم از پیزا میاد (بادست زیر شکم خود میزنه) البته نه اون پیتزایی که شما تصورش می کنید اسم این دهکده فکر کنم پیزا باشه یه دهکده اروم و باصفا، راستش بخواین من یه فروشنده دوره گرد دانمارکیم که بیشتر کالاهای با ارزشی مثل شامپو، رب گوجه، روغن الاغ، نمک و ادویه از خاور دور و شرق آسیا با خودم به اروپا میارم و با قیمت چندبرابری فروشم، از این رو چند وقت پیش چند دهکده اون ور تر شنیدیم که شخصی به نام گالوله نمیدونم گلوله همچنین اسمی در دهکده پیزا معتقد است که زمین به دور خورشید می چرخه اخه خودتون تصور کنید مگه میشه زمین پایین باشه خورشید بالا چه جوری میتونه به دورش بچرخه از این رو فرسنگ ها راه اوادم تا هم او را ملاقات کنم هم بتونم کالاهامو با قیمت خوب بفروشم

(در همین لحظه چوپان در حالی که زنگوله ای به گردن داره سوار بر چوب خود چهار نعل وارد میشه چند دور میچرخه سپس رو به گوزیمو)

چوپان – حی اقا ببخشید دو جفت الاغ دم کوتاه ندیدی؟

گوزیمو – (متعجب) بله.... دو جفت الاغ....

چوپان – اره چهارتا بودن سه ماده یه نره خر

گوزیمو - نه ندیدم

چوپان - غریبه ای گوسفندچرونی ؟

گوزیمو - نه من یه فروشنده دوره گرد دانمارکیم

چوپان - فروشنده چه جالب چه میفروشی ..

گوزیمو- نگاه کن همه چی واسه فروش دارم عینک ،رب گوجه ناران ،شامپو بهشده،دماسنج حتی ساعت های کوچک ..

چوپان - گفتی اهل کجایی

گوزیمو- اهل دانمارک...

چوپان - مگه از جان خودت سیرشدی اومدی این دهکده

گوزیمو- واسه چی مگه چی شده ..

چوپان - اکثر مردم این دهکده طاعون گرفتن ودرحال فرار هستن

گوزیمو- ولی اینجا که هوا خوبه

چوپان - هوا خوبه نمیدونم نگاه نکردم (به آسمان نگاه میکنه) بله امروز هوا خوبه ولی مطمئن فردا باران خواهدبارید

گوزیمو- (متعجب) تواز کجا میدانی فردا بارانه ؟

چوپان - خب از مسیر راه گوسفندانم میفهمم...

گوزیمو - (روبه تماشاگران متعجب) مثل اینکه جدی جدی اهالی این دهکده خرافاتین

چوپان - چیزی گفتی

گوزیمو- نه... ببخشید میتونم یه سوالی بپرسم

چوپان - بگو سر بشقابی ...

گوزیمو - تو این دهکده شما آقای گالوله میشناسی شایدم گلوله همچنین اسمی ..

چوپان - چینه چرا باید بشناسم

گوزیمو- مگه اینجا دهکده پیزا نیست

چوپان - چرا دهکده پیزاه ولی ما تو این دهکده همچنین شخصی نداریم ...خب ببینم چه واسه فروش داری

گوزیمو- من چیزهایی زیادی میفروشم که به درد همه میخورن

چوپان - خب این دست چپ خرچیه ازگردنت آویزونه ...

گوزیمو- دست چپ خرچیه این اسمش دماسنجه ،اگر هوا سرد یا گرم باشه نشون میده

چوپان - وای مردم چه چیزهایی مزخرفی اختراع میکنند من که به این چیزها احتیاجی ندارم هر وقت مثل سگ عرق ریختم میفهمم هوا گرمه و هر وقت مثل خرلرزیدم میفهمم هوا سرده

گوزیمو- پس این وسیله به دردت نمیخوره ،خداراشکر همه مشتریان من چوپان نیستن والا ازگرسنگی میمردم

چوپان - خب سر بشقابی این خرطوم چیه

گوزیمو- اقا محترم این خرطوم نیست

چوپان - نکنه توقع داری بگی گرده گاوه ..

گوزیمو-مثل اینکه واقعا شما خریدار نیستی این اسمش دوربینه داخلش نگاه کنی همه چیزو میبینی

چوپان - (متعجب) همه چیز !

گوزیمو- اره همه چیز

چوپان - خب میشه نگاه کنم ببینم گوسفندانم بالای کدوم تپه هستن

گوزیمو- باشه بگیر نگاه کن

چوپان - (دوربین را میگیره روبه طرف تماشاگران چشم چپ را میبندد وبا چشم راست همه اطراف را نگاه میکنه) اره ..اره راست میگی من میتونم همه را ببینم نگاه وای امیلی ،دختر مورد علاقه ام (با صدای بلند) اهای سی سیلی اهای سی سیلی من انجام وای خدای من حتی پاسبان ها راهم میبینم ...وای نه نه بیا بگیر بیا بگیر این به درد نمیخوره

گوزیمو- چی شده چه دیدی

چوپان - هیچی اسقف اعظم را دیدم که در حال خوردن اب شنگولی بود ومست کنان می رقصید

گوزیمو- پس اینم به دردت نمیخوره

چوپان - اره به دردم نمیخوره من همه چیزو دیدم ،الا گوسفندانم

گوزیمو- خب حتما گوسفندات گم شده

چوپان - پس چرا الکی گفتی میتونم همه چیزو داخلش ببینم

گوزیمو- ای بابا خب مگه تقصیر منه گوسفندات گم شدن

چوپان - فکر نکن میتونی منو گول بزنی سرچنگالی ،من برم دنبال گوسفندام

(چوپان دوباره سوار برچوب خود چهارنعل میتازه و از صحنه خارج میشه)

گوزیمو - تا چند دقیقه پیش میگفتی سر بشقابی حالاشدم سرچنگالی ،معلوم بود از اولشم خریدار نبود حالا چکارکنم لنگ ظهر شده هیچی هم فروش نداشتم

(در همین لحظه گاليله با حالت سینه خیز از طرف دیگر صحن وارد میشود)

گوزیمو - (متعجب روبه تماشاگران) مثل اینکه اشتباه نکردم همه اهالی این دهکده

دیوونه هستن ... ببخشید اقا دنبال چیزی میگردین

گاليله - هیس ...

گوزیمو - (متعجب) بله !... اصلا به من چه من فقط یه سوالی پرسیدم

گاليله - (بلندمیشه ولباس خودشو میتکونه) اه ... تمرکزمو بهم زدی داشتم دنبال نیروی جاذبه زمین میرفتم

گوزیمو - (متعجب) نیروی جاذبه زمین ! ببخشید قصد مزاحم نداشتم دنبال شخصی به اسم گالوله میگردم

گاليله - گالوله چیه ،دیگه یکبارہ بگو جای لوله

گوزیمو- (سرشو میخارونه) راستش خودمم نمیدونم فقط اسمشو پاورقی یه کتاب دیدم الان فرسنگ ها راه اومدم تا اورا ملاقات کنم

گاليله - پس غریبه ای ،خرچرونی یا گوسفندچرونی

گوزیمو - هیچکدوم من یه فروشنده دوره گرد هستم

گاليله - فروشنده ،خب اسمتون چیه این وسایلو از کجا میاری

گوزیمو - اسمم گوزیموه این وسایلو از شرق اسیا چین وایران میارم

گاليله - خب گوزی از شرق چه برایمان آوردی

گوزیمو - خب بیا نگاه کن شامپو گردو یاسوج اوردم ، بیا نگاه دماسنج ،قطب نما ،رب گوجه صحت،حتی دوربین

گاليله - دوربین !

گوزیمو - اره دوربین یه وسیله ای کمک میکنه اشیا وادم ها از هر فاصله ای ببینی

گاليله - (خوشحال) اوه چه جالب خب من اين وسيله را از شما ميخرم پولش چند فلورين ميشه

گوزيمو - قابلي نداشت يك ونيم فلورين

گاليله - (توسر گوزيمو بوس ميكنه) خب من دو فلورين ميخرم پسر

گوزيمو - ممنون شما بايد ادم خيلي مهمي باشين اولين نفری هستين كه از وسيله خوشتون اومده

گاليله - من گاليلئوگاليلي هستم

گوزيمو - (شادمان) واقعا ببخشيد نشناختم ،پس شما هستين كه ميگين زمين به دور خورشيد ميچرخه

گاليله - شما از كجا ميدونيد من اين حرفو زدم

گوزيمو - از زن ها همسايه شنيدم ،اي بابا خب تمام دنيا ميدونن تمام كليساي هاي جامع بر عليه شما متحد شدن حتي پاپ پل پنجم

گاليله - به چه جرمي ،مگه گپ بدی زدم يا هم مثل خودشونم كه بهشت و جهنم را خريد و فروش ميكنن

گوزيمو - فكر كنم به جرم تفتيش عقايد

گاليله - من هميشه رو حرفم هستم ومثل مرحوم مغفور كپرنيك نظريه خورشيد مركزي را تايبيد ميكنم

گوزيمو - ولي جناب گاليله شما چه جوري ميتوني ثابت كني

گاليله - (دست تو جيب خود ميكنه مقداري گوش پاك كن ويك عدد پياز درمياره)خوب فرزندم بگو ببينم اين چيه

گوزيمو - خب مقداري گوش پاك كن با يه پياز

گاليله - (توسر گوزيمو ميزنه) اي خاك توسرت احمق اين ها گوش پاك كنن ،اين اسمش اسطرلاب است

گوزيمو - اسطرلاب ديگه چيه نشنيدم

گاليله - وسيله ايست كه نشان ميده سيارات چگونه به دور زمين مي چرخن ،خب حالا بگو ببينم اين چيه

گوزیمو- خب پیازه جناب گالوله
گاليله - گالوله ومرض این پیازه کودن
گوزیمو- (متعجب) خب پیازه پس چیه نکنه توقع داری بگم سیره
گاليله - این کره زمينه احمق
گوزیمو - (متعجب) پس این گوش پاک کن ها چی هستن
گاليله - (پیشونی گوزیمو را میبوسه) افرین فرزندم سوال خیلی خوبی بود این ها گوش
پاک کن نیستن بلکه اینا اجرام بلورین اسمان هستن
گوزیمو- واقعا چه جالب !
گاليله - خب فرزندم بشین تا بیشتر توضیح بدم
(گاليله وگوزیمو روی زمین روبه روبه روهم میشینن گاليله گوش پاک کن هارا دور پیاز
میچینه)
گاليله - خب الان چند سیاره اطراف زمین میبینی
گوزیمو - منظورتون گوش پاکنه آقای گاليله
گاليله - یه بار دیگه بگی گوش پاک کن همه اشو از ناحیه سینوس ۱۸۰ درجه میکنم تو
بینی ات
گوزیمو - خب هشت تا
گاليله - (یه دونه از گوش پاک کن ها برمیداره) حالا بگو ببینم این اسمش چیه
گوزیمو - ای بابا خب گوش پاک کنه نکنه توقع داری بگم خلال دندونه
گاليله - (توسرگوزیمو میزنه) ای خاک تو سرت این اسمش ناهیده ،سیاره ناهید
گوزیمو - یعنی ناهید به این لاغری هست جناب گاليله
گاليله - (یه دونه دیگه از گوش پاک کن ها برمیداره) خب حالا بگو ببینم این اسمش
چیه
گوزیمو - خب حتما سکینه دختر عمو ناهیده
گاليله - کله پوک کودن این زهره است سکینه چیه !نگاه ما کلا هشت سیاره داریم واین
ها را کدوم یه سیاره میباشد
گوزیمو- ببخشید جناب گاليله ... پس سیاره ماه کدومه

گاليله - (دوباره پيشونى گوزيمو را ماچ ميكنه) افرين پسر م سوال خيلى خيلى خوبي بود ! نگاه اين پنبه ها سفيدى كه ميبينى سر هر كدوم از اين گوش پاك كن ها به قول خودت اينما سياره ماه هست

گوزيمو - ببخشيد اقاى گاليله خب اين جورى ما هشت دونه گوش پاك كن داريم هر گوش پاك كن هم دو سر پنبه اى سفيد داره يعنى ما ۱۶ سياره ماه داريم
گاليله - (به تيق ميفته) فرزندم فكر كنم اين سوالات خارج از مبحث ماهست و بيشتر به علوم رياضيات مربوط ميشه

گوزيمو - جناب گاليله شما در مورد همه سيارات گفتين پس خورشيد كدومه
گاليله - خب الان سر اين دونه پنبه ها را اگر با اتيش روشن كنى نورى كه روشن ميشه نور خورشيده كه اين پياز كه همان زمينه را گرم ميكند

گوزيمو - چه ربطى داشت اين كه ميشه پياز داغ جناب گاليله ، يعنى شما ميگين اين پياز كه همون كره زمينه دور اين گوش پاك كن ها كه همون سيارات هستن ميچرخن

گاليله - اره هميشه پيش از ما پدران ما ميگفتن ستاره ها به سقف اسمون چسبين تا پايين نيفتن در حالى كه اگر به اسمان نگاه كنى دائم اين ستارگان در حال حركت هستن
گوزيمو - (به اسمان نگاه ميكنه) ولى جناب گاليله اشتباه نميكنى الان كه ستاره اى در اسمان نيست

گاليله - (دوباره تو سر گوزيمو ميزنه) اى خاك تو سراحمقت كزن خب كودن الان كه ظهره شب كه نيست كه ستاره هار ابينى بعدشم نور خورشيد نميذاره اين ستاره ها را ببينيم

گوزيمو - ميگم اقاى گاليله راسته كه ميگن خورشيد خانمه

گاليله - كى گفته خورشيد خانمه، خورشيد نه خانمه نه اقا

گوزيمو - پس چرا ميگن خورشيد خانم ... ميگم شايد ترنس باشه

گاليله - فرزندم فكر كنم با اين سوالات دارى وارد حوزه فلسفه و اينسترومنتاليسم ميشى ، به نظرم اين سوالاتو از كشيستان بپرس

گوزيمو - ولى جناب گاليله من هر كارى ميكنم نميتونم باور كنم حرف هاى شمارو ، اخه هر روز صبح خورشيد را يكجا و بعد از ظهر در جاي ديگرى ميبينيم

گاليله - افرين سوالى خوبي بود ، يه لحظه صبر كن الان ميام

(گاليله يه عدد چترويه عدد افتابه مياره چترو بازميکنه و تو دست گوزيمو ميده واونو زير چتر ميشونه و خودش هم پشت سرش ميشينه وافتابه راهم جلوی گوزيمو به عنوان خورشيد قرار ميده)

گاليله- خب فرض کن افتابه خورشیده اين چتر هم که رو سرته اسمونه منم که پشت سرتم ماه هستم حالا بگو ببينم خورشيد کدوم سمته
گوزيمو- خب افتابه روبرومه

گاليله – خب حالا بگو ببينم چه جوری به سمت راست مياد

گوزيمو- ای بابا افتابه که حرکت نميکنه اصلا

گاليله – خب کله پوک من گفتم فرض کن خورشیده

گوزيمو – خب چرا از خودش نمی پرسی که چطوری به سمت چپ و راست حرکت ميکنه

گاليله – خب دارم واسه يه احمقی مثل تو اثبات ميکنم

گوزيمو – (بلند ميشه) نميخوام پدرمو هفت پيازه کردی اصلا معلوم نيست چکار ميکنی ديونه ام کردی

(در همين لحظه کشيش وچوپان درحالی که شکم خود را خنده گرفتن با حالت قهقهه وتمسخر وارد ميشوند وروی زمين غلط ميزنن)

کشيش- نگه دار ،نگه دار سرم داره گيج ميخوره ، وای چقد زمين خیلی سريع ميچرخه ...جناب گاليله اجازه دهيد به شما تکیه کنم

چوپان – جناب کشيش منم سرم داره گيج ميخوره هرچه خوردم دارم ميارم بالا

کشيش – بابا نگه دار گاليله نگه دار زمينو نگه دارداريم واژگون ميشيم

گاليله – ميبينم که دوباره مست کردی جناب کشيش

کشيش – من مست کردم يا تو پير فرتوت نگه دار بی پدر

گوزيمو – مثل اين که اشتباه نکردم واقعا همه خرافاتی وديوونه هستن

گاليله – بس کنيد جناب کشيش

کشيش – (بلند ميشه) خداراشکر به کره ماه پرتاب نشديم ،گرين برگر فرزندم پاهایت را به زمين سفت بچسبان که زمين درحال چرخش است دانشمند ما کشف کرده که زمين در حال گردش هست

گاليله - من نميدونم شما چرا با اين حرف مخالفين اثبات اين نظريه يه افتخاري واسه مردم ونيزه

كشيش - اين يه فاجعه است براي اينكه دچار عذاب الهى نشيم اخه كجاي كتاب مقدس نوشته كه زمين در حال گردش هست مگه در تمام صفحات كتاب انجيل نيامده ((اي خورشيد برفراز جيحون بايست واي ماه برفراز ايالون بمان)) يعنى ميگي كتاب مقدس دروغ ميگه

گاليله - خب جناب كشيش كجاي كتاب مقدس نوشته شده است كه بهشت وجهنم قابل خريدهستن

گوزيمو - اگر اينجوريه من حاضرم با صد فلورين جهنمو بخرم ديگه كسي را هم توش راه نميدم

كشيش - خوك كثيف ايدزي تو ديگه چه جانوري هستي

چوپان - جناب كشيش اين همون مرد غريبه است كه گفتم وسايل اهريمنى به همراه داره گوزيمو - (متعجب) بله ! وسايل اهريمنى چيه ...

چوپان - اره همون خرطومى كه داخلش نگاه ميكردم همه چيزو ميديم الان ديگه خانم ها ما هم نميتونن رو پشت بوم ابنتى كنند جناب كشيش

كشيش - شما دونفر زمين را خوارخفيف كردين ،خانه ها را به لجن كشيدين من از شما دونفر به انجمن جامع كليسا ويتن برگ شكايت خواهم كرد ...بريم گرین برگر

(كشيش سواربرچوپان از صحنه خارج ميشن در ادامه گاليله ادعاى كشيش را درمياره)

گوزيمو - (روبه تماشاگران) چيه اينجورى بهم زل زدین فکر كردين منم مثل اهالى پيزا ديونه شدم

گاليله - (خوشحال) يافتم گوزى يافتم گوزى بهتره هرچه سريع تر كارمونو شروع كنيم تو همين جا بمون الان برميگردم

گوزيمو - برو بابا اينم شده كاسبى دلم خوش بود ميام پيزا تموم اجناسمو مي فروشم
مشترى كه گيرمون نيومد هيچ اسير اين كله خراب گاليله شدیم

(گاليله درحالى كه يك لوله مقوا ودو عدد شيشه شير ووسه تا چوپ بزرگ براي سه پايه ومقدارى طناب در دست دارد وارد ميشه)

گاليله - اى بابا چرا نشستی گوزيمو بيا سراين دو چوپ رابگير

گوزيمو - باز ميخواي چكار كنى جناب گاليله

گاليله - ميخوام سه پايه و مشك درست كنم مثل عشايير دوغ بزنييم بخوريم
گوزيمو- (خوشحال) واقعا ميخواي دوغ بزني بخوريم خدا امواتو بيامرزه راضي به
زحمت نبوديم

گاليله - (متعجب) احمق كودن دوغ چيه مگه گاو پدر پدرسگتو دوشيدم كه دوغ بزني
...ميخوام يه وسيله اي بسازم كه چند هزار سال بشر نتونست اختراعش كنه

گوزيمو - (متعجب) واقعا ...

گاليله - ميخوام تلسكوپ بسازم

گوزيمو - پس اين چوب ها واسه چي هستن

گاليله - واسه پايه هاي تلسكوپ هستن به جاي اين حرف ها اين طناب ها رابده تا محكم
اين دوربين را روي اين سه پايه نصب كنيم

گوزيمو- پس اين شيشه ها چي هستن

گاليله - اين ها عدسي محدب و مقعر هستن

گوزيمو - (مي خنده) ميخواي با اين اسباب بازی بزرگ ترين مخترع جهان شي

گاليله - (عصباني) دهنته ببند تا يه مشت كاه نريختم توش بجا اين حرف ها بيا بگير
گزارش كار رابخون

گوزيمو - (شروع به خواندن اخيرين گزارش كار ميكند) امروز سيزدهم فوريه سال
۱۶۰۹ در ساعت دوازده وچهل وچهار دقيقه به وقت گرنيويچ كه از شدت گرما
خر هم سقط ميكنه خبري عجيبی در دهكده پيزا و شهرهاي ونيز و فلورانس پيچيد
گاليلئوگاليله معروف به قايد گاليله موفق به اختراع بزرگ ترين اسباب بازی
شگفت انگيز جهان به اسم تلسكوپ شد اومدعي هست كه با اين وسيله مي توانيم
اجسام را چندبرابر بزرگ تر نشان دهيم ..ولي جناب گاليله من اين وسيله را از
شرق اوردم چرا اسمي از من نيست تو اخيرين گزارش كار

گاليله - خب بوزينه واسه اينكه من اين وسيله را ساختم

گوزيمو - ولي تو اين دوربينو از من خريدي فقط چهارتا چوب با دوتا شيشه بهش بسته
اي

گاليله - ميدوني من چندساله رو اين پروژه كار كردم

گوزيمو- مرد حسابي تو يك ساعت پيش نميدونستي اين وسيله چيه از من خريدي اين
انصاف نيست اسم من تو تاريخ نباشه

گاليله - باشه توگزارش كار اسم خودتو هم بنويس
گوزيمو - (مى خنده) ولى من نميخوام اسمم تو تاريخ باشه
گاليله - خب مگه مريضى اصرار ميكنى
گوزيمو - ميخوام يه كم به اينده ام ضدحال بزنم
گاليله - اى خاك توسرت دارى هذيون ميگى مشخصه تو هفت اسمون هم اصلا ستاره
اى به سمت نيست

(گاليله داخل تلسكوپ ساخته شده نگاه ميكنه)

گاليله - گوزيمو فرزندم باورم نميشه با اين وسيله مى توانيم به اسمان نگاه كنيم و اين
ادعايى براى اثبات نظريه خورشيدمرکزی است

گوزيمو - ميشه منم ببينم

گاليله - باشه بيا نگاه كن

گوزيمو - كجا بايد نگاه كنم

گاليله - داخل عدسى ها نگاه كن

گوزيمو - منظورت اين بطرى شيره

گاليله - اره نگاه كن چه ميبينى

گوزيمو - هيچى نميبينم شيشه شيرخاليست هر كس هم خوردش نوش جونش

گاليله - سطح كره ماه را نميبينى پوشيده از كوه ها و دره هاست

گوزيمو - من كه به جز بوى شير هيچى احساس ميكنم

گاليله - گوزيمو فرزندم درسته اين كهكشان راه شيرى است

گوزيمو - (متعجب) كهكشان راه شيرى خب چرا بهش ميگن راه شيرى

گاليله - خب يه راهى هست كه شير ازش عبور ميكنه نشنيدى ميگن تو راهى كه رفتى
شيرى يا روباه اين همان راه شيرىست

گوزيمو - ولى من كه چيزى نميبينم

گاليله - بيشتر نگاه كن بين لكه ها يا جوش هاى خورشيدى نميبينى

گوزيمو - لكه ها خورشيدى ديگه چى هستن

گالیه - ببین فرزندم لکه های خورشیدی یا جوش های خورشیدی هرچندبار یک بار روی پوست صورت خورشید ظاهر میشن که بعضی اوقات خودبه خود پاک میشن و بعضی اوقات دوباره ظاهر میشن و خوشحالم که الان دیگه تونستم نظریه ارسطو را باطل کنم

گوزیمو- چکار ارسطو داری همه اش گیر میدی به اون مگه چی گفته

گالیه - ارسطو گفته اجرام آسمانی کامل اند و هیچی نقضی دران هان نیست در صورتی که خوب داخل تلسکوپ نگاه کنی میبینی خورشید خانم همه جوش داره هم لکه هم خال

گوزیمو - چه جالب

گالیه - اکثرا سیارگان از جمله ماه را میبینی به دور مشتری میچرخه

گوزیمو - خب چرا ماه فقط دور مشتری میچرخه

گالیه - خب برای اینکه جنس هاشو به مشتری بفروشه

گوزیمو- مگه ماه هم جنس میفروشه

گالیه - اره خوب ماهی میفروشه ، ماهی تابه میفروشه ، ماهواره میفروشه حتی کلاس های کنکور از مایشی هم برگزار میکنه

گوزیمو- این آخری را دیگه نشنیده بودم

گالیه - موسسه ماهان نشنیدی در شهر پادوا

(گوزیمو امروز به خاطر این اختراع بزرگ مهمان من هستی میخوام یه جشن حسابی برپا کنیم)

گوزیمو- اخ جون بابت این اختراع بزرگ بهتون تبریک عرض میکنم

گالیه - خب شروع کنیم ناهید اوکی .. زهره اوکی ... باندا... کی مرد ... کی بیورد هم اوکی بریم (اهنگ شاد زده میشه و گالیه و گوزیمو مشغول رقص میشن در همین لحظه عالیجناب کاردینال پیر و کشیش هرکدام سوار بر چوپان و یک نفر دیگه وارد میشن دو یا یک سرباز حکومتی نیز همراه آنهاست)

کشیش - (موسیقی قطع میشه) هیچ معلومه اینجا چه خبره ای وای ای وای توچیکار کردی گالیه

گالیه - هیچی چکار کردم عالیجناب کاردینال این فقط یه جشن کوچیکه

کاردینال – چکار کردی مردحسابی توداری به تاریخ میشاشی
 کشیش- بوی اختراع گند این اسباب بازی سرتاسر ونیز وفلورانس را برداشته
 کاردینال – به خداوندی خدا تو کافر شدی واعتقادی به کاتولیک نداری
 چوپان – جناب گالیله مدتی است که شما راندیده بودم بگو ببینم جهان برچه مداری
 میچرخه
 گالیله – تو حرف نزن برو گوسفندتو بچرون برسره مداری که بچرخه اخرش سرش
 گیج میره ونابود میشه
 کاردینال – ببین جناب گالیله من فقط به دو دلیل میخوام بهت کمک کنم اول برای
 خشنودی خدایان ودوم برای جلوگیری از مرگ خودت زشت نیست اخری پیری بگن
 یکی از اساتید ریاضیات دانشگاه ونیز را به زور جام زهر موش دادن تابمیره
 کشیش- بعدشم میخوای تا چندین سال مثل یونانی که سقراط را با جام زهرکشتن ملت ما
 راهم بدنام کنی
 گالیله – جناب کشیش تو چی از تمدن یونان میدونی
 کشیش- هیچی فقط میدونم یکی از سوالات اصلی امتحان کنکور کلیسا ونیز این بود کدام
 یک جز دانشمندان بزرگ یونان نیست سقراط ارسطو افلاطون عیسی غورص
 گالیله –درسته شما کشیشان درمورد تمدن های قبل از جمله یونان چیزی نمیدانید شما
 حتی دوست ندارین ونیز دانشمندان بزرگی داشته باشه
 کشیش – (می خنده) اخه نادون تو با این اسباب بازی میخوای نام ونیز وفلورانس
 رابزرگ کنی
 کاردینال - بعدشم تو برو قرضتو به شیرفروش سرکوچه بده الان صدباره اومده پیش ما
 شکایت کرده نمیخواد نام ونیز رابزرگ کنی
 (حاضرین به گالیله میخندن)
 گالیله – (ناراحت میشه)میبینی گوزیمو زندگی چقد سنگ دله
 کاردینال – جناب گالیله تو با این که مرتکب جرم عظیمی شدی هنوز دیرنشنده هرچه
 سریع تر شتاب کنی با کشتی الاغ یا هر اسباب بازی دیگر پیزا را به مقصد پادوا ترک
 کنی
 (چند لحظه سکوت درسالن حاکم میشه)
 چوپان – میدونستم این پدر سوخته از اولشم قصدی نداشت

کار دینال – سکوت نشانه رضایته

گالیه – نه جناب کار دینال طاعون هم نتونسته منواز مطالعه بازداره من هنوز معتقدم زمین به دور خورشید میچرخه اگر باور ندارین میتونید با همین اسباب بازی که میگین خورشید را ببینید

کشیش – (جلو نماد سلیب و ناقوس میره) خدایا به درگاه تو استغاثه میکنیم که مصائب بزرگی که تا کنون بوده رخ ندهد

چوپان – (با صدای بلند) امین !.....

کشیش- جناب کار دینال باشه ما داخل این ابوطیاره نگاه میکنیم اگر چیزی نبود این مرد کافر هست و دادگاه تفتیش عقاید برگزار میکنیم و گلوشو با زهر موش جر میدیم

کار دینال – منم موافقم

گالیه – باشه بیاین نگاه کنید من گفتم که زمین در حال گردش هست و میخوام با این وسیله حرفمو اثبات کنم

کشیش- (داخل تلسکوپ نگاه میکنه همه منتظر واکنش کشیش هستن با صدای بلند) این حقه است ما اصلا قمر و نمیبینم

گوزیمو – قمر دیگه کیه

کشیش – قمر ننه ات بس کنن غریبه ؛ جناب کار دینال شما هم بفرمایید نگاه کنید ببینید چه میبینید

کار دینال – (داخل تلسکوپ نگاه میکنه دروغ میگه) جناب گالیه حقیقتا چیز غیر عادی ندیدم

گالیه – ولی من خودم دیدم با چشم های خودم دیدم مگه نه گوزیمو

گوزیمو – (میترسه)....

کشیش – جناب کار دینال بزارین گوزیموش هم نگاه کنه

گالیه – گوزی فرزندم خب به دقت نگاه کن چیزهایی که واست توضیح دادم بهشون بگو

گوزیمو – (ترسیده داخل تلسکوپ نگاه میکنه همه منتظر جواب گوزیمو هستن) ...جناب گالیه حقیقتش من فقط یه گاو دیدم چند دهکده اون ور تر ... صدای گاو پخش میشه (

(همه حاضرین به گالیه میخندن)

گالیه- ای خاک توست از گفتاروسيله خودت که به اروپا اوردی دفاع نمیکنی
در عوضش میخوای از شخصیت خودت دفاع کنی

کشیش - (روبه سربازان حکومتی) ای جلیلیان چرا ایستادید و براسمان خیره شدید این
کافرپیر را دستگیر کنید

کاردینال - (روبه گالیه) نظریه شما در کتب ظالع و کسی نباید ان را ترویج کند
فهمیدی جناب دانشمندبه سربازها اشاره میکند ...

(چندلحظه سکوت همزمان اهنگی بزای عوض کردن دکور و صحنه پخش میشه
سربازان دکور را تغییر میدن و صحنه به فضای دادگاه تفتیش عقاید درمیاد کاردینال پیر
به عنوان حکمران پشت میز مینشید در دوطرف دو کشیش و چوپان مینشینن سربازان
گالیه و گوزیمو را داخل دو گونی بزرگ میکنن فقط سران ها بیرون هست و هر دو
مامور حکومتی بالای سر ان ها ایستادن اهنگ قطع میشه)

کاردینال - (با پوک خود سه بار تو سر چوپان میزنه) ساکت ... لطفا نظم دادگاه را
رعایت کنید

کشیش- جناب کاردینال بهتره هرچه سریع تر شروع کنیم

کاردینال - (روبه چوپان) گرین برگر فرزندم بخوان ...

چوپان - هواسش نیست . شروع به خوندن میکنه (مثلا متن دل ای دل محسن چاووشی
در فیلم شهرزاد را باحالت غمونه میخونه)ای دل ای دل ای دادوبیداد آگریار ما را
دیدی به خلوت بگو ای بی وفا ای بی مروت گریبانم زدست چاک چاکت گوش کن ...

کاردینال - ساکت احمق گفتم متن اظهاریه دادگاه را بخون

چوپان - (متن را میگیره و قرائت میکنه) متهم گ .گ

گوزیمو - (از داخل گونی) ببخشید گ .گ یعنی چه

کشیش- یعنی گاو گوساله

گوزیمو - خدار شکر فکر کردم بامن هستین

کاردینال - خفه اشو ادامه بده گرین برگر

چوپان - متهم .گ .گ بر اساس بند بی بندباری کمیسیون قضات حاکمه شهر پیزا ایشان
به دلیلی سرپیچی از قوانین کلیسا و دولت و متعقد بودن به نظریه مرحوم خدانیامرز کپر
نیک و دفاع سرسختانه از نظریه این خدانیامرز و همچنین نسبت دادن اشتباه جذرومد به
حرکت زمین متهم به سرقت پول صندوق صدقات کلیسا همچنین سرقت بز ننه الیزابت
فریب جوانان و گمراه کردن ان ها بر علیه کلیسا بدهکار بودن به شیرفروش محله به

۱۰۰ ضربه شلاق ۱۰ ضربه تیرپا و دو سال از حمام کردن با شامپو بهشد محروم میباشد
فلذا... (روبه جناب کاردینال) جناب کاردینال حال کردین با کلمه فلذا
کاردینال – خفه شو ادامه بده ..

چوپان – فلذا کمیسیون بازرسی کلیسا و دادگاه برای اثبات این کار خود هیچ دلیل قانع
کننده ای نخواهد داشت طبق این اظهاریه از متهم گ. گ. سوال میکنیم انگیزه شما از این
کار چه بوده

گالیله- جناب آقای کاردینال من از شما به انجمن نخبگان و نیز شکایت میکنم شما حق
ندارین با یه پیرمرده این رفتارو کنید من بیمارم یه بوس گرفتم

کشیش- (متعجب) ازکی بوس گرفتی گالیله

گالیله – فکر کنم چندبار سر این گوزیمو را بوس کردم

کاردینال – اه .. اه چه مصیبتی تو پیزا طاعون کم بود تا مردم باز بیماری یبوس بگیرن

کشیش- (روبه سربازها) هرچه سریع تر این غریبه را ببرین بندازین داخل چاه
و شدیدترین شکنجه های کلیسا را انجام بدین جسدشو هم ببرین در عمق ده متری زمین
خاک کنی شاید خدا کمک کرد از شیوع یه بیماری جدید مردم و نیز زانجات دادیم

(سربازها سر گوزیمو را داخل گونی میکنن و میبرن)

گالیله – جناب کاردینال من نمیخوام بمیرم میخوام کاتولیک بمانم و کاتولیک بمیرم من
دیگر نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک را تایید نمیکنم من بیمارم احساس میکنم چشممو
دارم از دست میدم مرا عفو کنید من سوگند میخورم دیگر حرفی که بر علیه کلیسا و یا تایید
نظریه خورشید مرکزی باشه نزنم فقط منو عفو کنید

(همه حاضرین متعجب)

کاردینال- جناب کشیش به نظرم ازش یه سوگند نامه ای بگیریم و راهیش کنیم

کشیش- جناب کاردینال یعنی این همان پدرسوخته لجباز چندروز پیش بود

کاردینال – چه بگم وینچنزو ... رو به سربازها چشمان گالیله را باز کنید

کشیش – خب گالیله در برابر کتاب مقدس توبه کن تابخشیده بشی

گالیله – (که به سختی چشمانش را باز میکند) من گالیلیوگالیلی درس هفتاد سالگی
شخصا به دادگاه امدم و در برابر شما عالیجنابان محترم که در برابر کفار ایستادید زانو

میزنم و سوگندیاد میکنم که عقیده ای نسبت به مرکزیت خورشیدندارم و سوگند میخورم که از عقاید پیشین خود برگردم و این توبه نامه را امضا میکنم

کاردینال – طبق نظر دادگاه از متهم گالیله تقاضا مندیم از باور خود مبنی بر متحرک بودن زمین دست بردارد در غیر این صورت به اعدام محکوم خواهد شد.... در ضمن موظف است پول شیرفروش را در تا اخر ماه نوامبر بپردازد

نور میروود ...

پایان

حسن سالارمنش

۰۹۱۷۰۱۵۷۴۲۳-۰۹۱۷۵۰۴۹۵۸۲

اینستاگرام ha3an.salarmanesh

(هرگونه کپی برداری و اجرا منوط به مجوز کتبی نویسنده است و با متخلفین برخورد خواهد داشت)

تیرماه ۱۳۹۷

